

واکاوی علل و انگیزه‌های تغییر ساختار سیاسی ترکیه

امیر ساجدی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۵

چکیده

علیرغم اینکه حزب اسلامی عدالت و توسعه که از سال ۲۰۰۳ در مسند قدرت بوده ولی همواره با چالش‌هایی از طرف برخی جنبش‌ها و نهادهای امنیتی و نظامی مواجه بوده است. اردوغان رهبر این حزب برای تضعیف مخالفان و تحکیم قدرت و تضمین سلطه طولانی مدت خود در صحنه سیاسی ترکیه دست به اصلاح قانون اساسی و تغییر ساختار سیاسی این کشور زد که با مخالفت‌هایی از طرف برخی از احزاب سیاسی و مردم شهرهای بزرگ ترکیه مواجه گردید. مخالفین تغییر ساختار سیاسی، اردوغان و حزب او را متهم به تلاش برای پیاده‌کردن برخی از اصول اسلامی اخوان‌المسلمین و نادیده گرفتن لائیسته و اصول کمالیستی ترکیه نمودند. ما در این تحقیق بدنبال واکاوی این مسئله هستیم که کدام عوامل و انگیزه‌هایی سبب گردیدند تا دولت اردوغان دست به تغییر ساختار حکومتی ترکیه بزند؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه‌ای که مطرح می‌گردد این است که شکاف بین نهادهای سکولاریسم و مذهبی متفاوت با حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه آنقدر عمیق و گسترده شده بود که دیگر از دوره اختلافات کنترل شده عبور و به مرحله تهدید رسیده بود. برای پرهیز از این تهدیدات دولت اردوغان می‌باید تغییرات مهمی در قانون اساسی در راستای تحکیم قدرت خود ایجاد می‌کرد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی تحلیلی و بر اساس گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و تحقیقات پیشین و با استفاده از نظریه سازه‌نگاری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: حزب عدالت و توسعه، اردوغان، جنبش گولن، ارتش، تغییر ساختار سیاسی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
amir_sajedi2001@yahoo.com



مقدمه

تغییر ساختار سیاسی ترکیه بعد از کودتای نافرجام ۱۵ جولای ۲۰۱۶ از این منظر حائز اهمیت می‌باشد که نقش این کشور در معادلات ناحیه خاورمیانه از اوایل قرن بیست و یک بسیار پررنگ‌تر شده است. از آغاز این قرن حزب اسلامی عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان توانسته بر بسیاری از معادلات داخلی و منطقه‌ای تأثیر زیادی بجای گذارد. برای این توفیق اردوغان از زمان بدست گرفتن قدرت در ترکیه همواره در صدد برآمده تا نهادهایی که در راستا و هموسو با حزب او نبودند و یا در مقابل آن قرار داشتند را تضعیف و در صورت امکان تهدیدات آنها را برای همیشه از بین ببرد. برای این منظور رهبر حزب عدالت و توسعه در صدد برآمد تا روابط دولت خود با ارتش و برخی دیگر از نهادها و جنبش‌های تأثیرگذار در جامعه ترکیه را تغییر و به شکل جدیدی در آورد. گرچه در اوایل دوران حکومت، اردوغان سعی نمود تا اختلافات حزب خود را با این نهادها و جنبش‌ها کم‌رنگ و بی اهمیت جلوه دهد ولی با گذشت زمان و پس از تحکیم و تثبیت قدرت، برای کاهش تهدیدات سعی در تضعیف آنها نمود. پس از مدت کوتاهی اختلافات سرپوش گذاشته شده بین دولت اردوغان و این نهادها سر باز کرد و آنچنان نمایان و گسترده گشت که اختلافات کم‌رنگ و کنترل‌شده جای خود را به دشمنی آشکار داد. از مهمترین اختلافات حزب عدالت و توسعه با دیگر نهادها می‌توان از اختلاف با نهاد ارتش و جماعت گولن نام برد که اردوغان با تغییر ساختار سیاسی ترکیه توانست هر دو را به‌اندازه‌ای تضعیف نماید که در آینده نزدیک تهدیدی از سوی آنها بر دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه حادث نگردد. تغییر ساختار سیاسی ترکیه نه تنها کاهش تهدیدات ارتش و جنبش گولنی را موجب گردید بلکه باعث تضعیف کمالیسم و سکولاریسم و تقویت اصول اسلامی اخوان‌المسلمین در داخل و افزایش قدرت اردوغان در صحنه سیاسی ترکیه و منطقه گردید. به‌عبارتی اردوغان با این عمل در صدد برآمد تا با استفاده از باورها، هنجاره و هویت و فرهنگ ملت ترکیه راه را برای ایجاد نوع‌ثمنی‌گرایی در راستای تفکرات حزب عدالت و توسعه هموار و خود را به‌عنوان پدر معنوی ترکیه جدید معرفی نماید. ما در این مقاله بدنبال واکاوی این مسئله هستیم که چه عوامل و انگیزه‌هایی سبب گردید تا دولت اردوغان برای تضعیف دشمنان خود دست به تغییر ساختار حکومتی ترکیه بزنند؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه‌ای که مطرح می‌گردد این است که شکاف بین



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۳۴

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹



۲۳۵

واکاوی علل و انگیزه‌های تغییر ساختار سیاسی ترکیه

نهادهای سکولاریسم و مذهبی متفاوت با حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه آنقدر عمیق و گسترده شده بود که دیگر از دوره اختلافات کنترل شده عبور و به مرحله تهدید تبدیل گشته بود و برای پرهیز از این تهدیدات دولت اردوغان می‌باید تغییرات مهمی در قانون اساسی که منجر به کاهش تهدیدات دولت و حزب عدالت و توسعه می‌گردید را ایجاد می‌کرد. برای درک بهتر از هویت‌های اجتماعی این جنبش‌ها و نهادها و همچنین شکاف‌های موجود بین دولت اردوغان و آنها از نظریه سازه‌انگاری استفاده خواهد شد و روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

چارچوب نظری

سازه‌انگاری چارچوبی برای فهم و درک مسائل اجتماعی است. سازه‌انگاری عنوانی است که به رشته گسترده‌ای از رویکردها یعنی از رویکرد واقع‌گرایانه علمی ونت^۱ تا سازه‌انگاری پساساختارگرا داده می‌شود. یکی از ویژگی مشترک تمام گونه‌های رویکرد سازه‌انگاری این است که مفاهیم اجتماعی با تعاملات اجتماعی پدید می‌آیند و این تعاملات شبکه‌ای است که قواعد و نقش‌ها را ایجاد می‌کنند و براین اساس می‌باشد که اقدامات مناسب تعیین می‌گردد (متقی، و کاظمی، ۱۳۸۶: ۴۴). سازه‌انگاران منافع و هویت‌های دولت‌ها را برآیند فرایندهای تاریخی خاصی می‌دانند و همراه با تاکید زیاد بر باورهای خود اینگونه می‌پندارند که هویت و فرهنگ است که هنجارهای رفتاری پذیرفته شده را می‌سازد. پس از این منظر هویت یک دولت مشخص می‌کند که چگونه دولتی است و چه چیزی می‌خواهد و در موقعیت‌های خاص انجام چه اقداماتی را جایز و مناسب می‌داند. هویت‌ها پایه منافع هستند و دارای رابطه تنگاتنگی با یکدیگر می‌باشند. پس از نظر ونت دولت‌ها و کنشگران سیاسی همواره در پی منافع خود بر مبنای هویت خود هستند. براین اساس است که هویت و منافع در یک قالب جمع معنا می‌یابد و هیچ امری به تنهایی مفهوم ندارد. به عبارتی هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ ایجاد می‌گردد. و بدین سبب است که سازه‌انگاری به این موضوع می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی ملت‌ها می‌تواند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵). ادلر^۲ نیز هویت را

1. Wendt, A

2. Adler, E

امری محوری دانسته و اظهار می‌دارد که هویت امری برساخته در فرایند مشارکت در معانی جمعی و اجتماعی است و در چارچوب این هویت است که بازیگران تصورات خود را از دیگران نقش می‌دهند و به کنش می‌پردازند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۳). بسیاری از سازه‌انگاران عقیده دارند که سازه‌انگاری مبتنی بر هستی-شناسی است که واقعیت‌ها و باورهای اجتماعی در آن نهفته است. پس در این چارچوب بر نقش عوامل فکری تاکید می‌گردد هرچند که کنش‌های انسانی جهان مادی را شکل می‌دهد (آدلر، ۱۹۹۷: ۳۲۳). این نظریه معتقد است که این کنشگران هستند که واقعیت‌های اجتماعی را شکل می‌دهند. بدین معنی که کنشگران اجتماعی بر اساس باورها، عادت و رویه‌های خود به واقعیت‌های جامعه شکل می‌دهند و در طول زمان این واقعیت‌ها یا ساختارها شکل گرفته و قوام می‌یابند (کلوتس و لینچ، ۲۰۰۶: ۳۵۶). این واقعیت‌های اجتماعی تنها تمرکز بر یک زبان، فرهنگ، هنجار و رویه ندارد و گاهی مجموعه‌ای از آنها مورد تمرکز قرار می‌گیرد که بین‌الذهنیت نامیده می‌شود. در نظریه هستی‌شناسی توجه به هر یک از مسائل مادی یا معنوی دارای اهمیت زیادی است (وایت، ۲۰۰۲: ۴۰). این بدین معنی است که زمانیکه تعهد به مسائل مادی دارای اهمیت زیادی است دیگر ایده‌گری اهمیت خاصی ندارد و بالعکس. البته بایستی ذکر گردد که این بمعنی نادیده گرفتن تمامی ابعاد مادی‌گری یا ایده‌گری نمی‌باشد. در نظریه سازه‌انگاری هویت دولت همانند دیگر گروه‌های اجتماعی دارای دو بُعد داخلی و خارجی است. بُعد داخلی آن هویت ملی نام دارد که مجموعه‌ای از هنجارهای مشترک و روایت‌هاست که تحت عنوان داشته‌ها در طول زمان حفظ می‌گردد. جنبه بیرونی آن هویت دولت نام دارد که جایگاه یک کشور را در صحنه بین‌الملل نشان می‌دهد.

تغییر ساختار سیاسی

یکی از چالش‌های حزب عدالت و توسعه قانون اساسی ترکیه بود که توسط نظامیان بعد از کودتای سال ۱۹۸۰ تدوین شده بود. چراکه در این قانون اساسی ارتش دارای جایگاه ویژه‌ای بود و ارتشیان هر زمان که لازم می‌دیدند به بهانه دفاع از اصول کمالیسم می‌توانستند در مسائل سیاسی و اقتصادی کشور دخالت کنند یا از فعالیت احزاب اسلامی جلوگیری بعمل آورند. بر اساس اعتقادات نخبگان اسلامی حزب عدالت و توسعه، هویت دینی ملت ترکیه ارائه



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

یک اسلام دموکراتیک و میانه‌رو و با نفی نظامی‌گری و رادیکالیسم و حتی فاصله گرفتن از برخی اصول کمالیسم می‌توانند عوامل مهمی در پیروزی این حزب برای یک مدت طولانی در صحنه سیاسی و امکان پیاده کردن برخی از اصول اخوان‌المسلمین در ترکیه را فراهم آورد. برای دستیابی به این هدف، حزب اسلامی عدالت و توسعه بفکر طرحی افتاد که نفوذ نظامیان را در مسائل سیاسی کشور متوقف سازد. در این راستا پیشنهاد اصلاح قانون اساسی ترکیه برای اولین بار توسط حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۱۱ در پارلمان مطرح گردید ولی نتوانست مورد توافق اکثریت قرار گیرد و از دستور کار مجلس حذف گردید. با پیروزی رجب طیب اردوغان برای پست ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۴ و عملکرد خوب اقتصادی دولت او در یک دهه گذشته مجدداً اصلاح قانون اساسی و تغییر نظام اجرایی از طرف او مطرح گردید. سال ۲۰۱۵ زمان مناسبی بود تا اردوغان و حزب عدالت و توسعه به این مهم دست یابند. این حزب با عنوان «نوسازی در سیستم حکومتی» و با شعار «حکومت ترکیه متعلق به ملت است» دست به تلاش گسترده‌ای برای تغییر ساختار نظام سیاسی ترکیه از نظام پارلمانی به ریاستی زد. اردوغان و مقامات بلندپایه حزب عدالت و توسعه هدف از این تغییر بزرگ را ایجاد آرامش و برقراری صلح و ثبات در کشور ترکیه اعلام کردند. برای این منظور یعنی اصلاح قانون اساسی ترکیه، اردوغان و حزب عدالت و توسعه دو مرحله مهم را پیش رو داشتند. مرحله اول تصویب طرح در پارلمان و بعدی رأی آوردن طرح در یک رفراندوم با شرکت تمامی اقشار مردم. مشکل مرحله اول این بود که اردوغان نمی‌توانست به راحتی رأی لازمه را برای اصلاح قانون اساسی در پارلمان کسب نماید. به عبارت دیگر اردوغان برای کسب دو سوم آراء برای تغییر قانون اساسی علاوه بر رأی نمایندگان حزب عدالت و توسعه در پارلمان، نیاز به چند کرسی بیشتر از دیگر احزاب سیاسی پارلمان را داشت و این در شرایط عادی غیر ممکن بنظر می‌رسید. چراکه مخالفت دیگر احزاب بخصوص جمهوری خواه خلق (CHP) و دموکراتیک خلق‌ها (HDP) در پارلمان با پیش‌نویس طرح تغییر نظام سیاسی اردوغان که نیازمند تأیید دو سوم آراء پارلمان بود را می‌توانست بی اثر سازد. (alwaght.com/fa/News) برای کسب آرای لازمه حزب عدالت و توسعه در صدد برآمد تا با حزب حرکت ملی برای اصلاح تغییر قانون اساسی بتوافق برسد تا رأی لازم برای این منظور کسب گردد. پس از یک ماه گفتگو با رئیس حزب ملی سرانجام اردوغان موفق گردید در یک توافق



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت ترانس آلمانی اسلامی

۲۳۸

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

با این حزب طرح اصلاح قانون اساسی را مجدداً در پارلمان مطرح نماید. سرانجام طرح پیش‌نویس اصلاح قانون اساسی ترکیه بعد از تلاش‌های فراوان حزب عدالت و توسعه و با کمک حزب حرکت ملی و دوازده رأی دیگر از نمایندگان پس از انجام چند مورد اصلاحی توانست به حد نصاب لازم یعنی ۳۳۰ کرسی جهت ارجاع قانون برای انجام رفراندوم بتصویب پارلمان ترکیه برسد. پس از تصویب طرح تغییر نظام پارلمانی به نظام ریاستی و اصلاح قانون اساسی، طرح از طرف مجلس به شخص اردوغان ارجاع شد تا در مدت دو ماه آنرا تأیید نماید. سرانجام با تأیید اردوغان در ۱۰ فوریه ۲۰۱۷ قرار گشت در روز ۱۶ آوریل همان سال یک رفراندوم مردمی (همه‌پرسی) برای تصویب نهایی صورت گیرد. سرانجام طرح برای اجرایی شدنش به همه‌پرسی و رأی‌گیری همگانی گذاشته شد و با تأیید ۵۱ درصدی مردم ترکیه طرح اصلاح قانون اساسی لازم‌الاجرا شد.

اصلاح قانون اساسی و منافع حزب عدالت و توسعه

حزب عدالت و توسعه که مدت ۱۵ سال در قدرت قرار داشت با تغییر قانون اساسی در صدد برآمد برای تصاحب پست ریاست جمهوری جهت پیاده کردن اهداف اسلامی خود دست به تبلیغات گسترده‌ای زد. رهبر حزب عدالت و توسعه (شخص اردوغان) که از سال ۲۰۰۳ در مسند قدرت قرار داشت با انجام طرح اصلاحی قانون اساسی می‌توانست با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری تا سال ۲۰۲۹ همچنان در مسند قدرت باقی بماند. منافع حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان از تغییر ساختار سیاسی عبارت بود از:

الف- با اصلاح قانون اساسی ترکیه شرایط عزل رئیس‌جمهور و دولت او بسیار سخت می‌شد. چنانچه اکثریت پارلمان درخواست استیضاح رئیس‌جمهور را طلب نمایند، فقط دادگاه ۱۵ نفره قانون اساسی ترکیه است که حق محاکمه رئیس‌جمهور را خواهد داشت که دوازده نفر قضات این دادگاه را شخص رئیس‌جمهور تعیین می‌کند.

ب- رئیس‌جمهور وزیران، معاونان رئیس‌جمهور را بدون نیاز به رأی اعتماد پارلمان انتصاب می‌نماید.

پ- رئیس‌جمهور دارای قدرت انحلال پارلمان و اعلام و تمدید وضعیت اضطراری در سراسر کشور بدون مشورت با ارتش و دیگر ارگانهای امنیتی را دارد.



۲۳۹

واکاوی علل و انگیزه‌های تغییر ساختار سیاسی ترکیه

ت- رئیس جمهور قدرت انتخاب نیمی از اعضای قوه قضائیه را دارد و همچنین از اختیارات ویژه‌ای برای نظارت بر عملکرد شورای عالی قضات و دادستان‌ها برخوردار خواهد شد.

برای فهم اینکه چرا دولت اردوغان دست به تغییر قانون اساسی و ساختار سیاسی ترکیه زد (علاوه بر جلوگیری از چالش‌های احتمالی برخی از احزاب و نهادهای مخالف) لازم است تا هویت و ارزش‌های موجود در این کشور بخصوص برای چند حزب سیاسی و نهادهای قدرتمند در ترکیه یعنی حزب اسلامی عدالت و توسعه، جماعت گولن، حزب جمهوری خواه خلق و نهادهایی چون ارتش و انتخابات شهرداری‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

۱- حزب عدالت و توسعه

نگاه اکثریت اسلام‌گرایان طرفدار حزب عدالت و توسعه در عرصه فرهنگی و سیاسی ترکیه و جهان اسلام از نوع نگاه اخوانی است. متفکران اخوان‌المسلمین همانند بسیاری دیگر از متفکران دینی جهان اسلام همواره در تضاد با پدیده سکولاریسم هستند. این گروه با نفی سلطه غرب و زدودن غبار خرافات از دین و بکارگیری عقل و خرد در فهم دین، معتقدند که بر اساس جهان بینی توحیدی همه هستی در عرصه حاکمیت خداوند قرار دارد و دین اسلام یک نظام اجتماعی تام و نام دارد و تمدنی است که فلسفه، آرمان و شیوه زیست خود را دارد. بر این اساس سکولاریسم با جهان بینی و اصول اعتقادی اسلام سازگاری ندارد (ساجدی، ۱۳۹۲: ۸۷-۸۳). آموزه‌های اخوان‌المسلمین براین اساس است که تلقی از اسلام نه تنها به عنوان یک دین بلکه به عنوان یک نظام جامع و گسترده با همه شئون و جنبه‌های زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انسان سر و کار دارد. حسن البناء اخوان‌المسلمین را جنبشی برای اصلاح کامل و بازسازی فکری-اجتماعی جامعه به عنوان نهضتی برای بازگشت به اسلام واقعی و استقرار جامعه اسلامی می‌داند و خواهان ایجاد حکومت دینی بود. (تقوی، ۱۳۵۸: ۶۶). از نظر رهبران اخوان تبدیل شدن این جنبش به حزب می‌تواند به بهبود روابط آن با دولت کمک و در نهایت حزب را به اهداف اسلامی نزدیک نماید. از نظر اخوانی‌ها مبارزه انتخاباتی به ملت‌های مسلمان نشان می‌دهد که اسلام فقط دین عبادت نیست، بلکه تمامی عرصه‌های زندگی فرد را فرا می‌گیرد. در این راستا برخی

از رهبران اخوان معتقد به ارائه خدمات اجتماعی به نام اسلام بوده و دیگر رهبران حزب به محافظه کاری ایمان‌گرایانه پایبند بوده ولی هر دو بر سهم دین در تعریف حیات طیبیه تاکید می‌ورزند (هاکان یاووز، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

در آغاز بقدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه (۲۰۰۳) حزب برای تثبیت قدرتش در نظام سیاسی سکولار ترکیه با فاصله‌گرفتن از یک موضع سخت عقیدتی، به رهیافتی محافظه‌کارتر و گرایشی دموکرات‌تر گرائید. همانگونه که م. هاکان یاووز، اندیشمند برجسته‌ی ترک اظهار می‌دارد حزب عدالت و توسعه در یک حرکت دوسویه یعنی چگونگی رویکرد حزبی سیاسی و پایبند به ایدئولوژی عمیقاً دینی و تساهل و دموکراسی، در ابتدا این حزب دست به تعدیل رفتار و عقیده گروه‌های تندرو اسلامی در فرایندی لاجرم تعاملی با یک نظام سیاسی سکولار و قانون‌محور و رقابتی می‌زند ولی پس از مدتی که تثبیت قدرت نمود، گرایشات واقعی خود یعنی اسلام اخوانی را در عرصه فرهنگی و سیاسی ترکیه و ناحیه خاورمیانه آشکار می‌کند. در داخل با بدست گرفتن قدرت توسط حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه و افزایش اقتدار بر ساختار سیاسی و اقتصادی کشوری که دارای قانون اساسی سکولار می‌باشد، از همان ابتدا با مخالفت و موضع‌گیری بخش‌هایی از جامعه ترکیه مواجه شد. بسیاری از مخالفان اردوغان و حزب عدالت و توسعه را متهم به تضعیف پایه‌های سکولاریسم ترکیه نمودند. اما با توجه به عملکرد مثبت دولت اردوغان در بخش اقتصاد و اتخاذ یک رویکردی پراگماتیستی و عمل‌گرایانه موجب افزایش مقبولیت حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان در بطن جامعه گردید و موازنه قدرت را در رقابت‌های داخلی به سود او تغییر داد. اما همزمان بر شکاف‌های موجود بین لایه‌های جامعه ترکیه نیز افزوده شد. برای کسب قدرت بیشتر رجب طیب اردوغان با این تفکر که با تغییر قانون اساسی که منجر به تغییر ساختار سیاسی ترکیه از سیستم پارلمانی به سیستم ریاستی می‌شود، او می‌تواند با تسخیر کرسی ریاست جمهوری همانند یک سلطان نو عثمانی بر مسند قدرت تکیه زند. او همچنین می‌دانست که با چاش‌های متعددی از طرف ارتش و دیگر کنش‌گران دینی و سیاسی مخالف حزب عدالت و توسعه مانند حزب جمهوریخواه خلق، جنبش گولن و غیره روبرو خواهد گردید. براین اساس او تلاش کرد تا با استفاده از آموزه‌های اخوانی و نوستالوژی عثمانی‌گرایی ترک‌ها بر این چالش‌ها فائق آید.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های دینی جهان اسلام

۲۴۰

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

۲- نوستالوژی نوعثمانی گرایی

نوعثمانی گرایی در فرهنگ سیاسی ترکیه بسیار با اهمیت بوده و همواره بخش اعظم از جامعه ترکیه از رویکرد نوعثمانی گرایی دولت‌ها حمایت می‌کنند. ترک‌ها نوعثمانی گرایی را یک ایدئولوژی ندانسته بلکه آن را یک رویکردی نوین با برجسته کردن عنصر تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی از اسلام گرایی و شرق-گرایی می‌دانند (فلاح، ۱۳۸۷: ۴۲). حزب عدالت و توسعه همواره بدنبال ایجاد خلافت اسلامی بوده و نوعثمانی گرایی را مهم بر می‌شمارد.

داود اوغلو نظریه پرداز حزب توسعه و عدالت اظهار می‌دارد که تمدن اسلامی تفاوت‌های معرفت شناختی و هستی شناختی حاصل خود را با غرب دارد. بدین معنی که ترکیه بخشی از تمدن اسلامی است و چنانچه در مقام و جایگاه رهبری نوزایی این تمدن قرار گیرد، قادر خواهد بود مقام شایسته خود را در بین کشورهای اسلامی و عرصه بین‌المللی مجدداً باز یابد. او همچنین اظهار می‌دارد که ترکیه با ادغام در فراگردهای جهانی و احراز رهبری بلوک منطقه‌ای کشورهای اسلامی می‌تواند بر هویت دوگانه خود چیره گردد (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۲۶۸-۲۴۹). بر این اساس نوعثمانی گرایی نه تنها در تضاد با تفکرات اخوانی‌ها نبوده، بلکه دارای رابطه تنگاتنگی با اخوانی‌های حزب عدالت و توسعه می‌باشد. در رهبریت حزب عدالت و توسعه این باور عمیق وجود دارد که نقش کلیدی گذشته عثمانی در آینده ترکیه بسیار مهم بوده چراکه بازسازی هویت عثمانی در سه دهه گذشته استمرار داشته و اخیراً در حوزه‌هایی چون هنر، ادبیات و سیاست گسترش زیادی یافته است. بدین سبب است که جنبش‌های اسلامی مانند حزب عدالت و توسعه در ترکیه همواره به‌قصد ارائه جایگزین برای هویت جمعی بر میراث عثمانی پا فشاری می‌کنند.

۳- جنبش فتح‌الله گولن

گرچه اربکان طلیعه‌دار توسعه اسلام گرایی ترکیه در سه دهه پایانی قرن بیستم در ترکیه بود ولی جنبش‌ها و گروه‌های دینی دیگر به‌مثابه اساس و زیربنایی برای تعمیم و ریشه‌دار کردن گرایش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اسلام در ترکیه بودند. یکی از این گروه‌ها موسوم به گروه نور که تدوam مکتب بدیع‌الزمان سعیدی نوری بود، توانست میلیون‌ها نفر را جذب و مرید خود سازد. این گروه تبدیل به یک سازمان با پایگاه‌ها و رهبران مختلف در داخل و خارج





انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۴۲

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

از ترکیه گردید. از برجسته‌ترین این گروه‌ها، گروه فتح‌الله گولن خوجا افندی، روحانی معروف ترکیه بود. سخنرانی‌های فصیح در مجالس مختلف و نوشته‌های متعدد گولن در روزنامه‌ها باعث شده بود تا میلیون‌ها نفر تحت تأثیر او قرار گیرند. نفوذ اجتماعی، تربیتی، تبلیغاتی و اقتصادی گولن در داخل و خارج ترکیه بقدری گسترده گردید که در داخل پیروان دولتی و غیر دولتی زیادی از او به‌عنوان نزدیکترین روحانی به خدا یاد می‌کردند. برای نمونه یکی از طرفداران گولن، شهردار ازمیر، سومین شهر ترکیه، بازوی راست گولن نام گرفت. گولن توانسته بود در بخش‌های آموزشی و تربیتی صدها مدرسه دینی در ترکیه تأسیس نماید. او در سال ۱۹۸۵ سقوط اتحاد جماهیر شوروی را پیش‌بینی نمود و در سال ۱۹۹۱ طرفداران زیادی در آسیای مرکزی پیدا نمود و توانست مانند بسیاری از کشورهای دیگر بیش از یکصد آموزشگاه و مدرسه در آنها تأسیس کند. در داخل ترکیه گولن به منتقد سرسخت حزب رفاه (حزب عدالت و توسعه از دل این حزب بیرون آمد) که نتوانسته بود به هیچ‌یک از وعده‌های خود عمل کند، تبدیل گردید و خواهان مجازات رهبران آن شد (نور-الدین، ۱۳۸۲، ۱۹۷-۱۸۷).

روابط گولن و اردوغان در ابتدا روابط حسنه‌ای بود ولی بعد از مدت کوتاهی روابط این دو به تیرگی گراید. خیلی زود رسانه‌های ترکیه با انتشار سندی مدعی شدند که اردوغان قصد منحل کردن جنبش مذهبی فتح‌الله گولن را دارد. دولت اردوغان همچنین دستور توقف ساختن مدارس آموزشی گولن را صادر نمود و خواستار تصویب قانون اصلاح سیستم آموزشی ترکیه گردید. تحت فشار دولت اردوغان گولن به تبعید خودخواسته به آمریکا مهاجرت نمود. در مقابل حامیان گولن به افشای فساد در دولت اردوغان و خانواده او پرداختند. گولن با انتقاد از سیاست خارجی دولت اردوغان، مدعی شد که ترکیه در حال تبدیل شدن به کشوری با حاکمیت فردی است. کودتای ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۶ نسبت داده شده به گولن از طرف اردوغان نشان از آن دارد که جماعت گولن هر زمان می‌توانند در دسرهای زیادی برای دولت او بوجود آورند. پس برای جلوگیری از این امر اردوغان خواستار استرداد گولن از طرف دولت آمریکا شد که با مخالفت هر دو دولت آمریکا (اوباما و ترامپ) مواجه گردید.

۴- حزب جمهوری خواه خلق

این حزب که قدیمی‌ترین حزب سیاسی ترکیه شناخته شده، تحت نام حزب مدافعه حقوق



۲۴۳

واکاوی علل و انگیزه‌های تغییر ساختار سیاسی ترکیه

در سال ۱۹۲۰ تأسیس و پس از بقدرت رسیدن آتاتورک نام آن به حزب جمهوری خواه خلق تغییر داده شد. این حزب با رهبری آتاتورک توانست در بازبینی قانون اساسی سال ۱۹۲۸ ترکیه جدایی دین از سیاست و سکولاریسم را رسمیت بخشد. حزب جمهوری خلق تا سال ۱۹۵۰ حاکم بر صحنه سیاسی ترکیه بود گرچه ترکیه از سال ۱۹۴۵ از سیستم تک حزبی عبور کرد (انصاری، ۱۳۷۳: ۹۹-۷۶). این حزب دارای گرایشات ملی‌گرایانه و لائیک می‌باشد و از مخالفان سرسخت حزب اسلامی عدالت و توسعه بوده و با سیاست‌های مبتنی بر مذهب این حزب و دولت اردوغان مخالفت می‌ورزد. طرفداران حزب جمهوری-خواه، مخالف سرسخت سیاست‌های افراطی اردوغان بوده و او را متهم به سرکوب مخالفان در داخل و پیشه کردن دوری از اتحادیه اروپا در سیاست خارجی می‌کنند. سران حزب جمهوری خواه معتقدند که با تغییر ساختار سیاسی ترکیه در سال ۲۰۱۴ و قبضه قدرت توسط حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه و همچنین سیاست دوری اردوغان از آمریکا و اروپا باعث خواهد گردید این کشور از ارزش‌های کمالیستی خود دور شود.

۵- ارتش

برای درک بهتر نقش و جایگاه ارتش هر کشور، بیش از هر چیز نیاز به شناخت رابطه‌ی نظام سیاسی آن کشور با ارتش و رهبران نظامی آن دارد. به عبارتی ماهیت، خاستگاه اجتماعی نظامیان، نقش طبقه متوسط و وجود احزاب سیاسی در آن کشور و نوع رابطه‌شان با ارتش نیاز به شناخت دقیقی و جامعی دارد (ساجدی و رحمانی: ۱۳۹۴: ۷۲). در جنگ جهانی اول امپراتوری عثمانی که با آلمان متحد شده بود مورد حمله بریتانیا، فرانسه و روسیه قرار گرفت. گرچه نتیجه جنگ فروپاشی شش قرن امپراتوری عثمانی را رقم زد ولی مصطفی کمال پاشا رزمنده جنگ استقلال ترکیه با فرماندهی و با سازماندهی مقاومت ملی علیه دول خارجی توانست در معاهده لوزان (۲۴/۰۷/۱۹۲۳) که بین فاتحین جنگ جهانی اول و نماینده حکومت آنکارا به امضاء رسید، از بقایای و ویرانه‌های امپراتوری عثمانی، تمامیت ارضی ترکیه جدید را رسمیت دهد (شاو، ۱۳۷۰: ۶۱۵-۵۸۳). کمال مصطفی بر اثر رشادت‌های خود در جنگ و بعد از جنگ ملقب به آتاتورک گردید و به عنوان رئیس جمهور ترکیه برگزیده و بر مسند قدرت نشست. در واقع پیروزی‌های ارتش به رهبری آتاتورک در روزهای پایانی جنگ

جهانی اول باعث گردید تا ارزش و اعتبار نظامیان در جامعه ترکیه جدید مورد قبول اکثریت جامعه و قدرت نظامی همواره پشتوانه ایده‌های سیاسی کمال مصطفی قرار گیرد (صفوی، ۱۳۹۵: ۱۹۲). در دومین قانون اساسی ترکیه در سال ۱۹۲۸ که توسط مجلس به تصویب رسید، نظام لائیک به عنوان نظام حقوقی و سیاسی کشور که بر جدایی دین از سیاست تاکید می‌ورزید و با محوریت نظام پارلمانی مورد پذیرش واقع گردید (فلاح‌زاده، ۱۳۸۴: ۹۵). شیوه کشورداری آتاتورک بر اساس سکولاریسم و ناسیونالیسم و استبداد استوار بود. البته ایده‌ها و ارزش‌های آتاتورک در راستای منافع فردی او نبود بلکه برای آینده متفاوت ترکیه ترسیم شده بود و انحراف از آنها (اصول کمالیسم) را برای پیشرفت ترکیه جایز نمی‌دانست (دهشیار، ۱۳۹۵: ۱). در دوران زمامداری او (۱۹۳۸-۱۹۲۳) ارتش از جایگاه خاصی در ترکیه برخوردار شد و پس از مرگ کمال آتاتورک نقش ارتش پاسداری و حفاظت از ایده‌های کمالیستی تعریف گردید. ورود نظامیان در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری ترکیه و اجازه ورود ارتش به حوزه سیاست توسط قانون اساسی و ورود به نهادهایی چون شورای عالی امنیت ملی باعث شده بود تا نظامیان خود را نماینده بخش مهم سیاسی ترکیه بدانند و هر زمان که دولت از اندیشه‌های آتاتورک فاصله می‌گرفت، به دولت هشدار و یا دست به کودتا می‌زدند. از زمان مرگ آتاتورک تا سال ۲۰۱۶ چهار کودتای موفق از سوی نظامیان ترکیه صورت گرفته است. کودتای ۲۷ می ۱۹۶۰ به بهانه دفاع از آرمانهای کمالیستی علیه دولت راست‌گرای عدنان مدرس، کودتای ۱۲ مارس ۱۹۷۱ علیه دولت راست‌گرای سلیمان دمیرل، کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به بهانه ضعف اقتصادی و نقض اصول سکولاریسم و کودتای ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ که متفاوت با کودتاهای پیشین بود، در مخالفت با نخست‌وزیری نجم‌الدین اربکان رهبر حزب اسلام‌گرای رفاه صورت گرفت (مرادیان، ۱۳۸۵: ۱۶۹-۱۶۸).

محدود شدن قدرت نظامیان و کاهش نفوذ آنها در مسائل سیاسی کشور در دوره اردوغان سبب گردید تا این نهاد نظامی بار دیگر در سال ۲۰۱۶ دست به یک کودتا زند. عدم حمایت مردم و اکثر احزاب سیاسی ترکیه از کودتا باعث گردید تا کودتا خیلی سریع به شکست منتهی گردد. بعد از این کودتای نافرجام فرصت مناسبی برای اردوغان جهت تسویه حساب گسترده با نهاد ارتش و مخالفان مذهبی و غیر مذهبی دولتش فراهم گردید. او اقدام به پاکسازی ارتش با اخراج و بازنشسته کردن برخی از نظامیان بلندپایه و محاکمه برخی دیگر از آنها نمود. او با



۲۴۵

واکاوی علل و انگیزه‌های تغییر ساختار سیاسی ترکیه

اعلام اینکه گولنی‌ها در پشت این کودتا بودند بیش از ده‌ها هزار نفر از طرفداران گولن را از کار بیکار و یا دستگیر و روانه زندان نمود. با این فرصت بدست آمده، دولت اردوغان بسیاری از قضات غیر همسو با خود را برکنار و تعدادی از دانشگاهیان را اخراج و بسیاری از روزنامه نگاران را از مطبوعات دولتی برکنار و دستگیر نمود. بر اساس گزارشات خبرگزاری‌ها بیش از یکصد هزار نفر از نهادها و صنوف مختلف در ترکیه در ارتباط با کودتا توسط دولت اردوغان زندانی و یا پاکسازی شدند.

۶- انتخابات شهرداری‌های کلان شهرها

تحولات جدید در ترکیه که حاصل تثبیت قدرت اردوغان و سرکوب مخالفان بود باعث گردید تا شکاف اجتماعی و سیاسی در جامعه ترکیه که عمیق‌تر گشته بود بیشتر آشکار گردد و مخالفت‌هایی را با حکومت اردوغان به نمایش گذارد. انتخابات شهرداری‌های ترکیه فرصتی فراهم آورد تا نارضایتی اکثریت مردم از قبضه شدن قدرت در دست اردوغان و حزب عدالت و توسعه به نمایش گذاشته شود. کاندیدا شدن اکرم امام اوغلو برای پست شهرداری استانبول در مقابل کاندیدای حزب عدالت و توسعه، (بن‌علی یلدریم) فرصتی ایجاد نمود تا مخالفان اردوغان با شرکت گسترده در انتخابات شهرداری استانبول و رأی به امام اوغلو نارضایتی خود را از اردوغان به‌نمایش گذارند. برگزیده شدن امام اوغلو به‌سمت شهردار استانبول، شهری که خود اردوغان در سال ۱۹۹۴ شهردار آن شده بود، خشم اردوغان را برانگیخت و با فشار دولت او کمیسیون انتخابات پس از دو هفته انتخابات را ابطال و درخواست انتخابات دیگر را نمود. در انتخابات مجدد باز هم اکرم امام اوغلو توانست با قاطعیت در مقابل کاندیدای حزب عدالت و توسعه پیروز گردد. در انتخابات از میر و آنکارا نیز کرسی‌های شهرداری به‌تصرف رقیبان دولت اردوغان درآمدند. خشم اردوغان از پیروزی رقبای حزب خود در انتخابات شهرداری‌ها که منجر به برکناری سه شهردار مناطق عمدتاً کردنشین (وان، مردین و دیاربکر) توسط او با اتهام اینکه هر سه شهردار به تروریست‌ها کمک می‌کنند، کاملاً نمایان گشت. انتخابات در شهرهای بزرگ پیام مهمی برای حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان داشت و آن اینکه مردم شهرهای بزرگ با حزب محافظه‌کار اسلامی عدالت و توسعه و دولت اردوغان که بیش از یکصد هزار نفر را به بهانه کودتا از کار برکنار کرده بود که این

عمل با روش‌های دموکراتیک همسو نبود، مخالف و اکثریت خواهان بازگشت دموکراسی و یک حکومت سکولار در ترکیه می‌باشند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۲۴۶

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

نتیجه گیری

تغییر ساختار سیاسی ترکیه که منجر به کنار گذاشتن پست نخست وزیری و ایجاد نظام ریاستی شد، باعث گردیده تا رئیس جمهور به قدرتی بلامنازع تبدیل گردد و هیچ حزب و نهادی براحتی نتواند شخص قرار گرفته در این مقام را به زیر کشد. با یک نگاه ساده به عملکرد حزب عدالت و توسعه در زمینه های اقتصادی و اجتماعی به روشنی می توان دریافت که چرا این حزب در قانون قدرت در ترکیه قرار گرفته است. آمار کرسی های پارلمان ترکیه نشان دهنده این واقعیت است که حزب عدالت و توسعه، با داشتن حدود ۳۱۶ کرسی که اختلاف فاحشی با دیگر احزاب سیاسی دارد، قدرت اول و برتر پارلمان ترکیه از سال ۲۰۰۳ تا بحال (۲۰۱۹) بوده و حداقل تا یک دهه آینده این روند ادامه خواهد داشت. با این شرایط کاندیدای پست ریاست جمهوری ترکیه از طرف حزب عدالت و توسعه یعنی شخص اردوغان می تواند تا سال ۲۰۲۹ رئیس جمهور ترکیه باشد. چراکه احزاب دیگر ترکیه خوب می دانند که برتری حزب عدالت و توسعه، با داشتن موفقیت های اقتصادی و پایگاه مستحکم اجتماعی در بین مردم اهل تسنن این کشور، تا پایان دهه دوم قرن بیست و یک در ترکیه ادامه خواهد داشت و در هر انتخابات رئیس جمهوری ترکیه کاندیدای این حزب قادر خواهد بود تا اکثریت آراء را بخود اختصاص دهد.

تغییرات ساختار سیاسی در ترکیه بتوسط حزب عدالت و توسعه گرچه رضایت و خشنودی طرفداران حزیش را سبب گردیده ولی در مقابل برای دیگر طیف ها (لائیک، طرفداران دموکراسی و نظامیان) نگرانی زیادی را بوجود آورده است. مخالفین تغییر ساختار سیاسی معتقدند که نظام سیاسی ترکیه از نظام پارلمانی تبدیل به یک نظام حاکمیت حزبی شده که این امر برای سال های طولانی حاکمیت حزب عدالت و توسعه را موجب خواهد شد. بخش لائیک جامعه ترکیه با دگرگون سازی شیوه های زندگی ملت ترکیه از طریق اصول حزب عدالت و توسعه مانند شعار «انسان شایسته و سبک زندگی شایسته» نگرانی شدیدی را ابراز می کنند. چراکه در این شعار نشانه هایی از اسلامی شدن تدریجی بخش های سابق کمالیست حکومت و جامعه را مشاهده می کنند. بخش لائیک جامعه این کشور اظهار می دارد که حزب عدالت و توسعه بیش از هفده سال اداره ترکیه لائیک را در اختیار دارد و از طرق مختلف سعی کرده تا محتوای لائیک بودن ترکیه را با بیانیه هایی مانند تغییرات در پوشش



زنان، ساخت مسجد و نمازخانه در کنار ادارات دولتی و مراکز آموزشی، احیای مدارس دینی، قانون ممنوعیت استفاده از مشروبات الکلی در اماکن عمومی و بطور کلی در صدد ایجاد تغییر در شیوه زندگی مردم ترکیه است. این بخش همچنین اظهار می‌دارد که رهبر حزب عدالت و توسعه (اردوغان) با انجام اصلاحات در قانون اساسی و تبدیل نظام پارلمانی به ریاستی و با استفاده از یک ایدئولوژی بسیار قوی (اسلامی) که از یک پس زمینه اسلامگرایی محافظه‌کار برخوردار است توانسته پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ با موج‌سواری بر احساسات ملت ترکیه به تحکیم قدرت خود بپردازد و هر اتفاق ناگوار و نقصان در امر حکومت را به گروه‌های سیاسی مخالف خود نسبت دهد و آنها را به دشمنان ترکیه متهم نماید. آنها همچنین اظهار می‌دارند که این ویژگی‌های ایدئولوژی رسمی حزب عدالت و توسعه‌اند که خواستار پایبندی ملت ترکیه به این نوع شیوه زندگی بوده و با درآمیختن حزب در بورکراسی دولتی و کنترل انحصاری نظامیان و رسانه‌های جمعی، توانسته ترکیه را به سوی یک دیکتاتوری سوق دهد. به عبارتی آنها معتقدند که اعمال حزب حاکم در راستای یک توتالیتار و اتوکراسی اسلامی است که منجر به نوعی از اقتضائات رژیم خودکامه‌ای شده که دوران خفقان و حکمرانی رانی سلاطین امپراتوری عثمانی را یادآوری می‌کند. از این منظر تلاش‌های وافر اردوغان برای تغییر ساختار سیاسی ترکیه در انگیزه‌های روانی و ابعاد رونشناختی شخصیت او کاملاً نمایان است. با قرار گرفتن در مسند قدرت برای مدت ۱۵ سال قبل از تغییر نظام پارلمانی به ریاستی و انتخاب او برای یک دوره ۵ سال در پست ریاست جمهوری بعد از تغییر ساختار سیاسی ترکیه که می‌تواند برای دو دوره دیگر نیز انتخاب گردد، بدین معنی است که اردوغان برای مدت ۲۹ سال در ترکیه به عنوان یک قدرت بلامنازع سکوی هدایت این کشور را در اختیار داشته و خواهد داشت. تغییر ساختار سیاسی ترکیه و قرار گرفتن اردوغان در مسند ریاست جمهوری ترکیه و با تجربه ۱۵ ساله حکومتی و علاقه او در حفظ این پست در انتخابات آینده با پشتیبانی حزب اسلامی عدالت و توسعه، از منظر سازه-انگاران او خود را در جایگاه یک امپراتوری اسلامی می‌بیند که خواهان احیای هویت اسلامی ترکیه است. بر این اساس بخش عمده ای از تلاش‌های اردوغان برای تغییر نظام سیاسی و اصلاح قانون اساسی را باید در انگیزه‌های روانی و ابعاد روانشناختی شخصیت اردوغان در نظر گرفت. فردگرایی در رفتارهای اردوغان و روش‌های اقتدارگرایانه او باعث گردیده تا دموکراسی در ترکیه با چالش

روبرو گردد. واقعیت آن است که اردوغان دچار خودبزرگ‌بینی و خودشیفته‌گی شدیدی شده که باعث رنجش طیف‌های غیر اخوانی جامعه در ترکیه شده است. در مسند قدرت بودن از سال ۲۰۰۳ تاکنون، یعنی به مدت ۱۵ سال مداوم این اعتماد به نفس را به رهبر حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه داده است که خود را در نقش سلاطین بزرگ عثمانی همانند سلطان سلیمان تصور کند که می‌تواند عظمت و بزرگی را به کشور ترکیه برگرداند و یا حداقل به‌عنوان پدر معنوی ساختار سیاسی ترکیه نوعثمانی که راه ترقی و سعادت را هموار نموده، شناخته شود. اما نباید فراموش کرد که واقعی نظیر مانند تظاهرات پارک گزی، اعتراضات ملی-گرایان، سرکوب روزنامه نگاران و آزادیخواهان و همچنین از دست دادن کرسی‌های شهرداری‌های استانبول، آنکارا و ازمیر همگی نشان دهنده این واقعیت است که حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان در آینده با چالش‌های جدی مواجه خواهند شد.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادین اسلام

فهرست منابع

- انصاری، جواد (۱۳۷۳)، ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- تقوی، علی محمد (۱۳۵۸)، جامعه شناسی نهضت‌ها: از حسن البنا تا خالد اسلامبولی، چاپ اول، تهران: نشر نور.
- داود اوغلو، احمد (۱۳۹۱)، عمق راهبردی، (محمد حسین نوحی نژاد ممقانی)، تهران: امیر کبیر.
- دهشیار، حسین (مرداد ۱۳۹۵)، «خاورمیانه‌ای شدن ترکیه»، تهران: نشر صدا، شماره ۹۰، دوره جدید، ۱۴-۱.
- ساجدی، امیر (تابستان ۱۳۹۴)، «جایگاه و کارویژه‌های سکولاریسم در غرب و جهان اسلام»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۳۱، ۹۲-۴۹.
- ساجدی، امیر و رنجبر، رحمان (بهار ۱۳۹۴)، «نقش و جایگاه نظامیان مصر در تحولات انقلاب ژوئیه ۲۰۱۱»، پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پنجم شماره ۱، ۷۶-۵۱.
- شاو جی، استنفورد و شاو، ازل کورال (۱۳۷۰)، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید (۱۹۷۵-۱۸۰۸)، (محمود رمضان‌زاده)، تهران: معاونت فرهنگی آستان قدس.
- صفوی، سید حمزه (۱۳۹۵)، ترکیه، مجموعه کشورهای اسلامی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فلاح، رحمت‌اله (بهار ۱۳۸۷)، «تحلیل سیاست خارجی دولت اردوغان در قالب سیاست پارادایم نوعثمانی‌گرایی»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۲، ۵۳-۴۱.
- فلاح‌زاده، محمد هادی (۱۳۸۴)، آشنایی با کشورهای اسلامی (ترکیه)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- متقی، ابراهیم و کاظمی، حجت (زمستان ۱۳۸۶)، «سازهانگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۴، ۲۳۷-۲۰۹.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، برآورد استراتژیک ترکیه (سرزمینی - دفاعی - اقتصادی - اجتماعی)، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- هاگان، یاوز (۱۳۸۹)، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، (احمد عزیزی)، تهران: نشر نی.
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، «سازهانگاری از روابط بین الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۴، ۹۱۵-۹۰۱.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- نورالدین، محمد (۱۳۸۲)، ترکیه جمهوری سرگردان، (صغرا روستایی)، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

منابع لاتین

- Adler, Emanuel (1997), "Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics," European Journal of International Relations 3, 3: 319-63.
- Klotz, Audie and Lynch, Cecelia (2006), "Translating Terminologies" International Studies Review 8, 2: 356-62.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلم اسلام

۲۵۰

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

Wight, Colin (2002), "Philosophy of Social Science and International Relations" In Walter Carlsnaes, Thomas Risse and Beth Simmons eds. (2002) Handbook of International Relations, New Delhi: Sage, 23-51.

منابع اینترنتی

اهداف اردوغان از تغییر نظام سیاسی در ترکیه در

<http://alwaght.com/fa/News/۸۷۵۹۱/>, دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۲۰۹

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

ساجدی، امیر (۱۳۹۹)، «واکاوی علل و انگیزه‌های تغییر ساختار سیاسی ترکیه» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۰، ش ۲، تابستان ۹۹، صص ۲۵۱-۲۳۳.

